

# الیکارشی پا

## خاندانهای حکومتگرایان

خاندان امینی

(۳)

قدرت سیاسی و نظامی سپهسالار نظر افغانها و روسیان را متوجه خود ساخته بود؛ با تاجارپ تاخی که استعمار از قهرمانان ضد استعمار چون زمان-شاه در این نقاط داشت سخت دچار نگرانی از سپهسالار سردار جنگ جنوب علیه انگلستان شد، از این رو نقشه تدریجی ساختمان حریم امنیت هند را پیش انداخت. وزارت خارجه انگلیس میرزا حسین خان سفیر ایران در اسلامبول را که با رجال آنگلو فیل ترک راه و رابطه نزدیک داشت کاندیدای این مأموریت در ایران کرد.

دیدار ناصرالدین شاه از خراسان و مشاهده آنهمه نظم و عدل نوین، آرامش و آسایش، نوسازی و مردممداری سلطه قدرت دولتی، فرمانبرداری ایلات از سپهسالار نه تنها قاتل امیر کبیر را خوشحال نکرد بپایاد آمدن قدرت و بلوای آصف الدوله و پسرش اورانگران ساخت. البته سپهسالار وجودش بمراتب خطرناکتر از آصف الدوله بود برای اینکه آن با دستورات استعمار کار می کرد ولی این مستقلا برای ایران می اندیشید. تحریکات عمال استعمار و منفذان محلی چون سهام الدوله (حیدر قلی شادلو) که با دست سپهسالار سرچشمه ستمکاری و چپاول و آدم دزدی آنان از راه حوادث ساختگی تازندگان تکه و تر کمین خشک شده بود ناصرالدین شاه را خواهی نخواهی در راه اجرای نقشه استعمار (محو قدرت سپهسالار) بکار انداخت، دستورات محرمانه در

مهار کردن نیروی سپهسالار صادر شد. برای شناسائی میزان نگرانی دیپلوماسی بریتانیا از اقدامات سپهسالار از اوضاع خراسان لازم است به گزارش میرزا ملکم خان بهنگام اعزام قوا از طرف میرزا حسین خان به خراسان نظری بیندازیم تا بدانیم انگلستان چقدر حساسیت بدین نقاط دارد .

دولت ایران حاضر بود که بجهت حفظ حقوق خود عساکر لازمہ بخراسان بفرستد و حال آنکه دولت انگلیس ارسال عساکر را بسی لزوم میدانند قویا منکر چنین تدبیر است دولت علیه نیز باطمینان ایسن برای انگلیس ترك این عزم را می کند ۴۱ برای آسوده خاطر ساختن انگلیسها كه روسها نیز با آن چندان مخالف نبودند تا بتوانند لقمه های لذیذ خانان آسیای مرکزی را بدون نگرانی قورت دهند. نقشه الیکارشی ایران بکارافتاد ملتزمان انتخابی سفر شاه پیایی باتلقینات ماهرانه افکار ناصر الدین شاه را مسموم ساختند .

### تشییع جنازه زنده

شاه در ذیحجه ۱۲۸۳ از ورامین راه خراسان را پیش می گیرد سهام الدوله ( حیدر قلی شادلو) رئیس مخالفان سپهسالار در خراسان با پانصد سوار به پیشواز ناصر الدین شاه می رود در ۱۴ صفر ۱۲۸۴ با تظاهرات پر-شکوه و وسیع که نمایشگر محبوبیت سپهسالار و در حقیقت حکم تشییع جنازه سپهسالار را داشت از شاه استقبال شد ، وی وارد شهر مشهد گردید .

صنیع الدوله ( محمد حسن اعتماد مقدم ) رویدادهای این سفر را بحسب روز ثبت کرده است پیش از ۱۶ صفر او هفتی با عنوان ( اشخاص معروف که در خدمت حضرت فیض آثار مدفون شده ) بخاک سپردگان و گور شخصیت هارادر خراسان نام می برد ( میرزا محمد خان سپهسالار اعظم ) راجزه بخاک سپردگان یاد می کند و حال آن که بعد از این در وقایع ۱۶ ربیع الاول می نویسد: « خوانین و سرکردگان وصاحب منصبان خراسانی بتوسط جناب سپهسالار اعظم شرفیاب ... » ۴۲

این تقدم و تأخر خبر را نمی توان عادی و طبیعی تلقی کرد صنیع الدوله که دانشمندی آگاه برموز خبری و نویسندگی و کرونولوژی بوده می خواسته با این خبر پیش مرک ، به آیندگان بفهماند که سپهسالار زنده بگور است، از مدتها پیش ( امپریالیسم ) حکم قتل او را صادر کرده و گورش راکننده بود بهمین مناسبت محمود محمودی نویسد : « چون

۱- رسائل ومکاتبات ناظم الملک صفحه ۱۰۰ (هکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

۲- مرآت البلدان مجلد ۳ صفحه ۷۹

باید سپهسالار جای خود را به میرزا حسن خان بدهد در سفر شاه بمشهد غفلتاً در گذشت ۹

سپهسالار بقصد گرامی داشتن شاه و بالا بردن پایه ملی او تظاهرات شکوهمند برای استقبال تدارك دیده بود ، در روز ۱۶ شاه را به ( سان نیروی نظامی ) خراسان برد چنان نمایشی که بقول اعتماد السلطنه ( تا آن روز چنین نظام و شکوهی در سواران و سپاهیان خراسانی دیده نشده بود ) بیخبر از اینکه با این نمایش قدرت، گور خود را می کند، افکار زهر خورده و مستعد و آشفته شاه را بیشتر مشوب و مسموم می کند .

شاه با دیدن آن همه استعداد سپهسالار اعظم و محبوبیت وی وسوسه های درباریان و همراهان چیزی جز تن بیجان او را نمی خواست تا در سیر شاهی براحتی نفس کشیده خیالش از تو هم عمل هر رقیب احتمالی آسوده باشد.

### قهوه قجری

آن شب ( میرزا محمد رضا مستوفی ) که سپهسالار ظاهراً جای او را اشغال کرده بود میزبان او بود؛ هیچکس نمی داند آن شب بین آن دو چه گذشت، نحوه پذیرائی مأمور امیر یالسم و شاه با سپهسالار چگونه بود؛ ظاهراً با قهوه قجری ( دسر ) شام او پایان می پذیرد. نیمه شب وقتی میرزا محمد خان بمنزل برگشت ساعتی بیش نتوانست آرام گیرد، با در دورنج طاقت فرسا جهان به جهان آفرین تسلیم کرد .

عملیات بعدی درباریان شاه سوء ظن آدمی را بر می انگیزد چه بلا فاصله تشویق و تنبیه متنفذان مطرود خراسان و باصلاح دوستان و دشمنان سپهسالار آغاز می گردد حتی سرداران هرات ، تکه و ترکمن از این سیاست بی بهره نمی مانند، پادشاهای مالی ، لقب و خلمت ارزانی می شود در قوچان غیر متنفذان ( سایر کسان به خلاص ملوکانه سرافرازی شوند ۳ ) .  
نخست کسیکه لقب شایسته گرفت و عملاً نشان داد امین شاه و رایزن قابلی است محمد رضا مستوفی میزبان سپهسالار بود که لقب مستشار الملك گرفت (۴) و این همان کسیست که بعد مؤتمن السلطنه میشود پپاس این خدمت سالها لقمه های چرب از خوان خراسان میر باید .

محمود محمود در این باره چنین می نویسد : « در سال ۱۲۸۴ ناصر - الدین شاه بخراسان مسافرت نمود پس از ورود چند روزی نکشید که سپهسالار

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ۳ صفحه ۷۰۸  
۲ - صدرا التواریخ صفحه ۲۴۹ ۳ و ۴ - مرآت البلدان مجلد

اعظم این مرد بزرگوار شب رفت خانه دیگر بیرون نیامد همه متعجب شدند میرزا محمد خان با چه طرزی درگذشت ولی پیداست چون بهیچوجه تحت نفوذ اجانب نمی‌رفت و جز خدمت بشاه آنهم با کمال صداقت، در اینصورت



سپهسالار اعظم  
(محمد خان قاجار)

وجود او زاید بود دشمنان باطنی و ظاهری ملت ایران دست بدست داده با اشاره خودشاه او را از بین بردند (۱) مهدی بامداد مورخ نامور مینویسد: سپهسالار بسیار تندرس و سالم بود، سه روز پس از ورود شاه ناگهان در ۱۷ صفر ماه در گذشت. شهرت داشت که ناصر الدین شاه بواسطه خوردن قهوه قجری او را مسموم و کشته است. ۲.

مجدد الملک که بزمان سپهسالار از کار برکنار بود بعد از وی بطوری که خواهیم دید بمشأغل مهم گمارده می‌شود همراه فرزندش منشی حضور و سایر مخالفان سپهسالار تامسون کاردار موذی و دیسیه گرسفارت انگلیس (۳)

باشاه بمشهد می‌روند و پس از پایان کار سپهسالار اعظم خود و فرزند بزرگش دارای القاب و نشان و خلعت و پستهای مهم می‌شوند حتی پسر کهترش صاحب

۱ - روزنامه دموکرات ایران شماره ۶۱۵ (سال ۱۳۲۷ ش .) یاد بود صدمین سال قتل امیر کبیر .

۲ - تاریخ رجال جلد ۳ صفحه ۲۳۲

۳ - رونالد تامسون این همان با مور هوسران و دیسیه گرانگلستان است که با زن میرزا هاشم نوری (خواهر زن ناصرالدین شاه) سر و سری داشت گفته میشد ارتباط نزدیک بین آنان برقرار بود. دنباله این موضوع به دخالت شاه منتهی می‌گردد وی (موری) سفیر انگلستان را تحریک می‌کند او را وادار بترك ایران و قطع رابطه می‌نماید .

عنوان و مقام می گردد . خود مجدالملك در این زمان تولیت آستانقدس را عهده دارمیشود .

### سیاست امنیت دهند

ناصرالدین شاه پادشاهی هوشیار و آگاه به مسائل سیاسی بود خدمت گزار و خیانتکار را از هم باز می شناخت ، نهایت نفع شخصی او و دل هوسبازش اجازه نمی داد راه دوم را برگزیند . او سیاست ( کجدار و مرین ) ویژه ای داشت از این رو گاهی بحکم مصلحت تن به زمامداری مردانی بمانند امیر کبیر یا سپهسالار میداد ولی همیشه می دید ( بیداری و تشکل مردم ، و قهر و اعتراض بیگانه و نفوذ زمامداران ملی ) موقعیت او را تهدید می کنند دست بسوی آدمهای میانه و راجل آرام بمانند مستوفی الممالک ( یوسف آشتیانی ) دراز می کرد و در صورت و خامت اوضاع عناصر مزدوری بمانند اعتماد الدوله نوری ، میرزا حسین خان سپهسالار را سوارکار می کرد تا دشمنان را خرسند کند .

ناصر الدین شاه بعد از سپهسالار اعظم ، میرزا یوسف آشتیانی ( مستوفی الممالک ) را در رأس دولت قرار داد با روی کار آمدن این راجل میانه رو فرست لازم بدست استعمار سیاه آمد تا مقدمات برنامه های لازم و حیاتی خود را اجرا کند .

در این زمان اوضاع سیاسی جهان متشنج بود سیاست بریتانیا که در برابر مطالب خود مدتی بود بیک نیرو و مانع بزرگ خاوری ( نیروی مسلمانان بابعالی ) برخورد کرده بود از دریای مدیترانه تا خلیج فارس و شمال افریقا قدرت ترکان را مانع پیرفت خود می دانست از اینرو تصمیم گرفت این قدرت را خورد کند .

برای خورد کردن این دشمن بهتر نیست تا کتیک غدارانه ( سرمار رابه دست دشمن بکوب ) ترا ریسم را بجنگک ترکها فرستد تا زهر طرف که شود کشته سود آنان باشد ؟ ولی هر جنگ بویژه اگر در همسایگی باشد مستلزم محکم کردن درو دیوار حدود مرز خانه خویش است .

قسمت اعظم نقشه بریتانیا برای حفظ درو پیکر هند بزرگترین پایگاه خاوری استعمار حل مسائل مرزی غربی هند و ایجاد خطوط ثابت و مستحکم مرزی در ترکستان و افغانستان و بلوچستان بود با همه ضعف دولت عثمانی باز افغانستان و ترکستان و افغانستان از خلیفه ترك حرف شنوی داشتند از سوی

دیگر ژنرالهای فاتح روسی برق آسا در خانات آسیای مرکزی پیشروی می کردند .

در سال ۱۲۸۱ ق . ه ( ۱۸۶۳ م . ) نظامیان دشتهای قرقیز را زیر پا گذاشتند مناطق تاجیک و از بک نشین مورد تهدید قرار گرفت ، خوقند در برابر نیروی قهار ژنرال چرانیایف نتوانست پایداری کند در ۱۲۸۴ ه . ق . ( ۱۸۶۶ م . ) بخارا سقوط کرد ، در ۱۲۸۶ ه . ق ( ۱۸۶۸ ) سمرقند بدست روسیان افتاد .

این همان نقاطیست که موقعیت خاص برای انگلستان دارد ؛ پروفوسور وامبری این نقاط را ( پاشنه آشیل بریتانیای کبیر ) نام داده است بنابراین پیداست چقدر اهمیت سیاسی دارد .

افغانستان وضع بدتری داشت بدنبال امیر دوستمحمد خان کار گذار پشیمانگر امیر یالیسم و وصایای او به پسرانش در مورد مبارزه با انگلستان ابتدا امیر شیرعلیخان و اما بعد پسران اصیل و قهرمان او امیر یعقوبخان و امیر ابوبخان و تفاهم آنان با سپهسالار اعظم و عزیمت آنان بدعوت وی به مشهد ، امپریالیسم را سخت بتلاش انداخت سیستان نیز یکی دیگر از نقاط استراتژی استعمار هند بود ، سپهسالار آنجا و بلوچستان را نیز آرام نگذاشت تاج محمدخان وبرادرش صندلخان کار گذاران بیگانه را منکوب ساخت .

#### کار گذار بیگانه

در چنین لحظه حساس وجود سپهسالار اعظم در خراسان بمثابة قتیله زودگیر باروتی بود که اشتعال آن انبار ذخایر اقتصادی انگلستان را در دنیا نابود می کرد . نگرشی بقاریخ خراسان زادگاه مردانی بمانند نادر شاه فاتح دهلی چنان امپریالیسم را بوحشت می انداخت که هر اقدام غیر انسانی را نیز تسریع می کرد . ( ادامه دارد )

۱- نسخه کتاب عکسی خلیج فارس صفحه ۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
آشیل Achille سردار حماسه آفرین باستانی یونان قهرمان جنگ تروا که مادرش اورادر رودخانه استیکس شستشو میدهد بهمین جهت روئین تن می شود و چون بهنگام فرو بردن در آب پاشنه پایش در دست مادش بود آب بان قسمت از تنش نمی رسد بمانند اسفندیار پهلوان روئین تن ما که از چشم آسب پذیر بود تنها نقطه آسیب رس آن پاشنه اش بود که سرانجام نیز از این نقطه او را هدف تیر قراری دهند و کشته می شود .

فرهنگ اساطیر یونان و روم جلد ۱ صفحه ۸